

درآمد بانکی و بانک اسلامی

روزگار کهن گذشت، همه چیز نوسد، بهسازی و به روزی! نوسازی، و به روزی! شروع شد، هزاران شغل با نام نو و مارک نو به کارهای کهنه پرداختند!

دکه‌های سرافای سابق که در معازنه‌هایی کوچک جدا اکتفا به یک چرتکه - آهوب در این اواخر - بر با خواری مشغول بودند تبدیل به بانکهای بزرگ دنیا شدند (۲) که سر به فلک کشیده با ساختمان‌های هائی زیبا و دکورهای زیباتر، کارمندان مؤدب

می‌گویند درجه‌نم ماری است بنام «غاشیه» که گناهکاران از شر آن به سایر مارها و عقربها پناه می‌برند! این حقیقت عیناً درباره دکه‌های سرافای و رباخواری سابق، با بانکهای زیبا و قشنگ بین‌المللی امروز، و ما موربین مؤدب و شیک‌پوش، و خوش‌برخورد آنها صادق است. رباخواری در دنیا سابقه‌ای بی طولانی و قدیمی دارد که از روح سود جوئی و منفعت پرستی انسانها! سرچشمه گرفته و شرح آن از موضوع بحث ما خارج است (۱).

- ۱- مراجعه شود به دائرة المعارف دانش بشر، فرهنگنامه، سلسله مقالات آقای مجتهدی شستری در مکتب اسلام که فعالیت‌سورت کتاب در باخواری و جناب و منتشر شده است.
- ۲- کلمه «بانک» که نزد ما خیلی با اهمیت تلقی می‌شود از کلمه «بانکو» ایتالیائی گرفته شده که به معنی نیمیکت است و وجه تسمیه آن بخاطر نیمیکتی است که سرافان جلوروی خود گذاشته به کار داد و ستد مشغول بوده‌اند.

و دلموز یا اسمهائی فریبا و شمارهائی فریبنده تر سرمایه های مالی اولیه با اندازه همان دکه های صرافانی و شاید هم کمتر (۱) ولی تا بخواهد مجبور به دیکار گرفتن و مسائل ارتباط جمعی،
 مافوق به این جهت کار نداریم که بانکها دارای کارهای مفیدی هستند که در آغاز هم بیشتر برای همان کارها مانند مبادلات ارزی و پولهای خارجی و خودشان ضروری احساس می شود، ولی کم کم کار مهم آنها ربا خواری شد و چون سرمایه خودشان کفاف نمیداد، به فکر افتادند که از پول مردم استفاده کنند و از این روی صندوقهای پس انداز و حسابهای پس انداز تأسیس و افتتاح کردند و در توسعه این راه و مسائل ارتباط جمعی را به کسار گرفتند.

خلاصه گفتند: مورچهها هم برای آینده خود پس اندازی کنند از امر و بفکر فردای خود باشند! فردوسی علیه الرحمه نیز فرموده است: بنوش و بپوش و ببخش و بده! - برای دیگر روز چیزی بنه! مبادا که دودر دیر آیی - مصیبت بود پیری و نیستی! تو گویی آن روز هم از طرف یکی از آزانهای تبلیغاتی جهت تشویق به پس انداز در بانکها استخدام شده بودم است!

تبلیغات مؤثر افتاد سیل پولهای کوچک و بزرگ به بانکهای بزرگ سرازیر شد. اگر دکه های صرافانی سابق بسا مال خود برپا خواری مشغول

بودند! اینها با مال مردم از کوچک و بزرگ و بزرگ و جوان، کاسب و ناداری، حساب پس انداز باز کردند: حساب در گردش، حساب نوزدی، حساب ذخیره فردا، حساب عقد و عمروسی، حساب کفن و دفن، حساب خانه و مسکن، حساب حمام و لباسشویی و به مخازن آن شروع کردند به حاتم بخشی و وام دادن! چه قدر هم سخاوتمندانه و با چه شرایط سهلی که مردم از بس اسرافان و ربا خوران قدیمی حسنه شده بودند به اینها رو آوردند. این است که گفتیم ارتس مارشاله به این مارهای خوش خط و خال رو زدند، ولی اینها چه کردند و چه می کنند؟

ولی محصول معاینه فعالیتها چه بود؟ و چه می شد؟ خوب پیدا است که به جیب بانکها میرفت، هر چه کارخانه ها نرخ فرآورده ها را بالا می بردند و یا حقوق کارگران را درست نمی پرداختند و با اسطلاح صرفه جوئی می کردند معذک آخر سر بسیاری از آنها به کم دوور رسکست دچار شده کارخانه و سرمایه های آنها درست در اختیار بانک قرار گرفت!

در این بحث ما علاوه کارخانه های بزرگ کار نداریم بعنوان مثال تنها در مورد قالی کاشان طبق یک محاسبه دقیقی که ماس کرده ایم: قالی که در کاشان در می ده هزار ریال نرخ گذاری شده و مجموع آن که فرسای ۹ متر است بالغ بر نود هزار ریال

۱ - دائرة المعارف دانش پرسی از یکی از صرفه های ۷۰ سال قبل ایران نام می برد که حدود ۳ میلیون تومان در آن روز سرمایه داشت در حالیکه بتصریح همان کتاب سرمایه بانک ملی در بدو تأسیس بیش از ۲ میلیون تومان نبوده است.

می گسرد تنها حدود چهل و هفت هزار ریال آن عاید تولید کننده می شود و بقیه آن که در حدود نصف مبلغ است جیب اسرافان و ربا خوران سرازیر می شود.

ذیرا سرمایه اسرافان و ربا خوران حرفه ای محدود است و نمی توانند مانند بانکها از سرمایه مردم استفاده کنند، از این جهت ناچار سراغ بانکها میروند و چون آنها معتبرترند و با بانک همکاری مسلماً بانک آنها را بر سایرین ترجیح داده پول را با بهره ۱۲٪ مثلاً در اختیار آنها می گذارد و آنها نیز با نرخ مضاعف دوباره ببرد می دهند!

و این است که پول به جریان می افتد و تورمها بر طرف می گردد! پول مردم را بیکان و حد اکثر با بهره ای ۷٪ به صرف بانک سرازیر می شود، بدهی بانک این پول را به صرفه می دهد با بهره ای ۱۲٪ برای سومین بار صرف همان پول را بسا بهره ای ۲۴٪ به خود مردم یعنی صاحبان اصلی پول پس می دهد فاضل و ربا اولی الایسار!

بانک اسلامی چه می کند و چه فقهی می برد؟

گفتیم بانکها کارهای مفیدی دارند که بخاطر آن فوائدی نمی توان بکلی وجودشان را نادیده گرفت و مسلمانان را بلباقشان بخشید، بخصوص اگر رنگ و سبب اسلامی بخود گیرند میتوانند برای بازرگانان کاملاً مفید بوده و زیانهای بانکهای ربوی را نداشته باشند، بدین ترتیب که واسطه مضاربه باشند

و در این حال از منافع خود زیانهای مضاربه پذیران - تجار و بازرگانان - را جبران کنند. اکنون می پرسید در این صورت بانک اسلامی چه نفعی می تواند داشته باشد؟

منافع بانک اسلامی:

خوبی ما داریم که یک رقم از منافع بانکها عبارت است از تفاوت نرخ بهره ای که می دهند و نرخ بهره ای که می گیرند. باین صورت:

سود بانک ۵٪ - نرخ بهره ای که می گیرند ۱۲٪ - ۵٪ = ۷٪ نرخ بهره ای که می دهند و چون این بهره را در هر صورت می گیرند بدون هیچگونه گذشت این ۵٪ برای بانکها رقم قابل ملاحظه ای است ولی در مورد بانک اسلامی ناچاریم سود را جور دیگری حساب کنیم زیرا بانک اسلامی تنها سود نمی گیرد بلکه زیان مضاربه پذیر را نیز بعهده می گیرد از این جهت معادله سود گرفتن و سود پرداختن در بانک اسلامی ذکر کون می شود.

باین معنی که بانک اسلامی ناچار است آنگاه که تاجر از سرمایه سود برده سهمی بیشتر از نرخ بهره بانک از او بگیرد تا بتواند در آن موقع که سرمایه تاجر دچار خسارت شد نه تنها از گرفتن سود صرف نظر کند بلکه زیان سرمایه را نیز جبران کند مؤلف محترم ال بانک اللاروی در این مورد طریخی دارد که در سه راه آینده از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.